

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال هجدهم - شماره ۱۳۵
پاییز ۱۳۹۹

گونه‌شناسی سنن تاریخی - اجتماعی

در سوره یونس

صغری فهیمی^۱

چکیده

قرآن کتابی برای هدایت بشر و متضمن قوانین اجتماعی است. سیر حوادث تاریخی نیز در بستر اجتماعی در جریان است. بنابراین بسیاری از آیات را می‌توان از منظر تاریخی بررسی کرد. سوره یونس به‌عنوان یک سوره مکی، دارای قوانینی است که خداوند برای هدایت مشرکین نازل کرد. این قوانین در گونه‌های عام و مشروط آمده است. قوانین کلی که شامل همه افراد می‌شود و قوانین مشروط الهی، وابسته به اختیار انسان است. این قوانین، در قالب قانونمندی تاریخ و اجتماع حرکت می‌کند. همه این جریان‌ها، در یک بستر تاریخی، قابل تعریف است. برای رسیدن به فهم این سنت‌ها، از منابع تفسیری فریقین و روش تحقیق تفسیری - تحلیلی بهره گرفته شده است. از مطالعات انجام شده به دست می‌آید که قوانین الهی با دو گونه عام و مشروط در تاریخ جریان دارد. قوانین عام که بر تاریخ و جوامع انسانی سیطره دارد و قوانین مشروط که با اختیار انسان، رابطه مستقیم دارد. در صورتی که مردم یک جامعه، دین اسلام را انتخاب کنند و در این مسیر به ملزومات آن پایبند باشند، باعث تحول در حرکت تاریخی شده و جامعه را از هلاکت و نابودی، به سوی سعادت و کمال رهنمون می‌سازد.

واژگان کلیدی: سنت الهی، سنت عام، سنت مشروط، سوره یونس، تفاسیر فریقین.

۱. طلبه سطح ۴ رشته تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) جامعه الزهراء (علیها‌السلام): s.fahimi45@gmail.com

مقدمه

اجتماع انسانی بر اساس قوانین خاص خود در جامعه با یکدیگر تعامل دارند. تعاملات انسانی، با احترام و تعهد به قوانین، توانایی انسجام و ماندگاری را دارد. اگر این قوانین در راستای منافع عمومی باشد و مردم از آن بهره‌گیری کنند، آن جامعه در برابر ناملازمات طبیعی و انسانی دوام می‌آورد. اگر قوانین فقط در کسب امنیت مالی و جانی دولتمردان حرکت کند، آن جامعه بدون پشتوانه روح جمعی خواهد بود. این جامعه در مقابل قوانین تاریخی، ضعیف بوده و به مرور زمان از بین می‌رود.

آیات قرآن حاکی از آن است که تحولات و دگرگونی‌های تاریخ، سقوط و مرگ جوامع و تمدن‌ها و صعود و رشد ملت‌ها و امت‌ها، تابع یک سلسله قوانین، قالب‌ها و شیوه‌های مشخصی است که خداوند متعال هم حتی در چارچوب آن قوانین، اسباب و شیوه‌ها، در زمینه‌های یادشده عمل می‌کند. سوره یونس از جمله سوره‌های مکی است که با محوریت اصول و مبانی دین اسلام و اصالت قرآن، سعی دارد مشرکین را با سنن الهی آشنا کند. به دست آوردن قوانین این سوره که زوج سوره انعام است و آیات این دو سوره، یکدیگر را تفسیر می‌کنند، یکی از ضروریات است. سنت‌هایی که در سوره یونس آمده است فضای ابتدایی دعوت پیامبر ﷺ در مکه را روشن می‌کند. بنابراین ضرورت دارد برای شناسایی این دوره، سوره‌های مکی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرند. در زمینه سنن تاریخی در قرآن تحقیقاتی صورت گرفته که بعضی از آنها با دیدگاه فلسفه تاریخی و بعضی نیز با دیدگاه تاریخی - اجتماعی بوده است و مباحث وسیع‌تری را شامل می‌شود. اکثر تحقیقات، سنن الهی را در کل آیات قرآن بررسی کردند.

مقاله «سنت الهی - تاریخی در سوره رعد و ابراهیم» (فهیمی، علی، ۱۳۸۷، مجله سخن تاریخ، شماره ۲، ص ۶۸) به طور اختصاصی به این دو سوره پرداخته است. از جمله تحقیقاتی که کل قرآن را بررسی کرده است، کتاب «سنت‌های تاریخ در قرآن» از شهید سید محمد باقر صدر می‌باشد. (صدر، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات دارالصدر) نویسنده ضمن بررسی سنن قرآنی، به بیان سنت‌های تاریخی در قرآن پرداخته است. مقاله «سنت‌مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر»، (سلیمانی، جواد، ۱۳۸۹، مجله تاریخ در آیین پژوهش، ص ۹۳) به بیان سنت‌های تاریخی با محوریت کتاب سنت‌های تاریخ

در قرآن، به بررسی سنن تاریخی پرداخته است. در مقاله «قانون مندی جامعه و تاریخ (مبانی فلسفه تاریخ در قرآن)» (رجبی، ابودر، ۱۳۸۲، مجله تاریخ درآیین پژوهش، شماره ۲، ص ۲۳) نویسنده، قوانین اجتماعی و نظرات جامعه‌شناسان را بررسی و ضمن تطبیق آیات قرآن بر قوانین جامعه، قانونمندی جامعه و تاریخ را طبق سنن الهی بیان کرده است.

بر اساس مطالعات انجام شده، تحقیقات پیشین، کل سنن تاریخی در قرآن را مد نظر داشته و به طور اختصاصی به سوره یونس نپرداخته‌اند. از طرفی، شناخت سنن تاریخی و تطبیق آن بر جامعه، نوع دیگری از تحقیقات بود که در زمینه شناخت موضوع، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. سنت از نظر لغوی یعنی طریق، راه، طُرُق (زمخشری، ۱۳۸۹، ص ۱۱) و منظور از سنت در قرآن، راه و طریق الهی (قریشی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۴۲) و راه الهی که بر اساس حکمت است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۹). تعریف اصطلاحی آن نیز همان قوانین جاری در اجتماع، تاریخ و طبیعت است که از سوی خداوند جاری است.

۱. سنت‌های تاریخی - اجتماعی در قرآن

از نظر قرآن، رویدادهای تاریخی، تصادفی نبوده و قانونمندانند. قوانینی که در جامعه ایجاد تغییر کنند و باعث حرکت به سوی پیشرفت یا پسرفت شوند. این حرکت، بر اساس اصول و مبانی است. این اصول و مبانی در قرآن با موضوعات کلی و جزئی بیان شده است. بعضی از سنن، عام بوده و بر همه کائنات سیطره دارند و بعضی نیز دایره تسلط محدودی دارند. همچنین بعضی از این قوانین، مطلق و بعضی، مشروط است. قرآن، در همه زمینه‌ها، در قالب سنت‌های تاریخی، چشم‌اندازی تعریف می‌کند که انسان در جریان زندگی اجتماعی، در صورت عدم تخلف، به آن دست می‌یابد.

در مواردی که سنت الهی به صورت مشروط بیان شده، اختیار انسان به عنوان یکی از علل تامه است. اراده و اختیار انسان در تحول حوادث تاریخی و تغییر مسیر آن، بسیار کلیدی است. اگر توانایی خود را در حکمفرمایی بر قوانین تاریخی تقویت نکنیم، آن وقت قوانین بر ما حاکم می‌شوند.

حوادث تاریخی مانند انسان است که ساختار آن را مجموعه جهان هستی تشکیل می‌دهد و انسان، ساختار تفکری این مجموعه است. او با ویژگی عقلایی، توانایی حکمفرمایی بر جهان هستی و ایجاد تغییر و تحول در آن را دارد.

عوامل طبیعی به صورت علل و معلولی، راه خود را در گذر حوادث در پیش گرفته و به جلو می‌رود. این انسان است که می‌تواند در این حرکت، پویایی و تحول ایجاد کند. بر اساس فلسفه تاریخی هگل، (ثقفی، ۱۳۹۲، ص ۷۵) این پویایی باید از درون مجموعه جهان هستی، که حوادث تاریخی را ایجاد می‌کند، حاصل شود. با این فرضیه، حوادث تاریخی، دارای روح حاکمی هستند که هدایتگر تاریخ است. روح حاکم که با توجه به آزادی و اختیار که در بازسازی و تحولات اجتماعی دارد، قادر به این کار خواهد بود. اگر آزادی از درون این مجموعه نجوشد و به کمال نرسد، تاریخ در گذر زمان، حادثه‌ای ایستا خواهد شد (مکارنی، ۱۳۸۹، مقدمه کتاب)؛ حادثه‌ای که در آن، عبرت‌آموزی و ماندگاری وجود ندارد. تاریخ در ماندگاری خود نیاز به اندیشه‌های تحول‌گرا دارد که با همه داده‌های عقلایی خود، در جهت خلق جهانی باقی تلاش کند. گاهی این اندیشه عقلایی با محوریت الهی پیش می‌رود و گاهی شیطان، محور تحول آن می‌شود. (مهرابی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳) قرآن، همواره بر تقابل حکمت الهی با باطل تاکید دارد. در این تقابل حق و باطل که در نهان تاریخ وجود دارد، اندیشه حق، پیروزمندانه از دل حوادث، بیرون می‌آید. این اتفاق در جریان طولانی مدت و نهایت آن در اندیشه مهدویت اتفاق می‌افتد. پیروزی چنین دیدگاهی بر اساس سنت‌های تاریخی در قرآن، حتمی است؛ زیرا وعده حکیم چنین است که مستضعفین پیروز خواهند شد (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۵۵). این همان نهایت اختیار و آزادی انسان در دل حوادث تاریخی و در نتیجه آزادی و اختیار روح جمعی تاریخی برای غلبه بر باطل است.

سوره یونس، مکی و از جمله سوره‌های تاریخی قرآن و در موضوع توحید، معاد و نبوت است. مشرکین مکه با دعوت پیامبر ﷺ مخالفت کردند و از اساس، آن را قبول نداشتند. اولین بحث آنها، انتخاب بشر برای رساندن وحی درباره قیامت بود. برای آنان عجیب بود فردی که جسم مادی دارد، از قیامت که صورت مادی ندارد، خبر دهد. بنابراین بشر بودن پیامبر ﷺ دلالت بر عدم صداقت او در ارسال پیام داشت. همین بشر بودن، آغازی بر بحث تاریخی در این سوره

است. ساختار آیات سوره یونس در یک بستر تاریخی و در جامعه اعراب جاهلی شکل گرفته است. روند چنین دعوتی به دین و تقابل مشرکین در مقابل این دعوت، منجر به هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه می‌شود. سؤالات مشرکین که سبب تکذیب پیامبر ﷺ، آیات الهی و معاد می‌شود، از سوی خداوند به روش‌های مختلف پاسخ داده شده است. قرآن در قالب و روش‌های بیانی، سنت‌های الهی را برای مردم بیان می‌کند و در این میان، سنت‌های تاریخی نمود بیشتری دارد. در این سوره، سنن تاریخی در قالب سنت‌های مطلق الهی و سنت‌های مشروط با خطاب‌های جمع و مفرد آمده است. با این بیان، سنت‌های اجتماعی نیز در محدوده سنت‌های تاریخی قرار می‌گیرند.

حضرت یونس، بر اساس نظریه مردان تأثیرگذار در تاریخ (کارلایل، ۱۳۱۸، ص ۴۹-۶۸) عامل مؤثری در روند شکل‌گیری دین در طول تاریخ داشته است. او عضوی از زنجیره ارسال رسل است که با اتصال به یکدیگر کامل می‌شوند؛ بنابراین دعوت او در یک بستر تاریخی شکل گرفته است. سوره یونس با حکمت الهی شروع شده است. این حکمت، استواری کتابی را می‌رساند که برای مسیر حرکت تکاملی جامعه، برنامه‌های عملیاتی دارد. در این سوره، برای مخاطب قراردادن انسان‌ها از واژگانی بهره برده می‌شود که با سرشت آنها سازگار است و آنان را به اندیشیدن توجه می‌دهد.

مبنای شبهاتی که مشرکین بر اساس آن، قرآن و پیامبر را تکذیب می‌کنند، ظن و گمان است. در سوره یونس این موضوع در کنار اصالت قرآن نیز از مهمترین موضوعات است. خداوند با تبیین قرآن و تصدیق آن با نشانه‌هایی که در بین مردم بود، ظن را تبیین می‌کند. شبهاتی که مبنای ظنی دارند با حقایقی که مبنای علمی و منشاء الهی دارد، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند. پاسخ صحیح، ظن را به کناری می‌نهد و راه حقیقت برای ادامه حرکت باز می‌شود.

۱. کارلایل معتقد است که فرد، مؤثر در زمان است و حوادث خارجی و تأثیرات محیط در او تأثیر نخواهد داشت. مرد بزرگ، مافوق محیط است. او مخلوق زمان و عصر خود نیست؛ بلکه خالق آن است. او خادم تاریخ نیست، بلکه مخدوم آن است و بالاخره تاریخ عالم عبارت است از سرگذشت زندگانی بزرگان.

۲. سنن عام تاریخی - اجتماعی

سیطره بعضی از قوانین بر تاریخ، کلی است و همه جوامع را دربرمی‌گیرد. در این مقوله از قوانین، استثناء وجود ندارد و قدرت الهی، تنها عامل مؤثر در اجرای این قانون است. جوامع انسانی با انتخاب راه صحیح یا نادرست در روند زمانی این قوانین تأثیرگذار هستند. از جمله قوانین کلی عبارتند از:

۲.۱. هدایت عام و فراگیر الهی

هدایت، سنت است و براساس حکمت الهی برای همه مردم است که این امر مهم توسط رسولان او فرستاده می‌شود. حکمت از مباحث مهم قرآن است و این عنوان با الفاظ مختلف در آیات قرآن آمده است؛ از جمله: آیات الهی محکم است؛ یعنی استحکام آن چنان است که هیچ باطلی نمی‌تواند به آن راه پیدا کند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۳)؛ هیچ کذب و اختلافی در آن راه ندارد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۲۵) و مبین و واضح (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۷۲) است. براساس حکمت، بر خدا لازم است که بندگان را بی‌هدایت نگذارد و برای آنها پیامبر بفرستد. (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۴۳)

آیات انتهایی سوره یونس با حکمت الهی به پایان رسیده است که خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید: «از آن چه وحی شده است، تبعیت کن اگرچه با سختی بسیار همراه باشد. صبر کن تا حکم خدا برسد و او بهترین حکم‌دهندگان است» (مکارم، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۶۹). این آیه، پیامبر ﷺ را از اجتهاد شخصی برحذر داشته و او را تا آمدن وحی به صبر سفارش می‌کند؛ از این رو، حضرت در مسئله ظهار و لعان، تا رسیدن وحی توقف کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۱۱ و دایره المعارف قرآنی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۶)

با این تدبیر الهی که از حکمت او سرچشمه گرفته است، دین را از اتهام دخالت بشری دور نگه می‌دارد. چنین رفتاری در مقابل معتقدین به تحریف قرآن، دلیل محکمی برای پاسخ به آنها است. تأثیر آن در طول تاریخ، مبنای قرارگرفتن احکام آن برای زندگی اجتماعی و فردی است. اگر زمانی همگان به حقانیت قرآن آگاه شوند، آیات آن مورد تردید نیست.

۲،۲. سنت ارسال رسل از جنس بشر

رسول الهی باید از جنس انسان باشد. این از مهمترین قوانین الهی برای هدایت بشر است. در ابتدای سوره یونس خداوند با مخاطب قراردادن مشرکین، تعجب آنها را مورد سؤال قرار می‌دهد. تعجب مشرکین از این که بر بشری وحی شود و او پیام الهی را به مردم برساند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۲۸۴). سپس تذکر می‌دهد که: «تعجب می‌کنید به بشری از اهل مکه وحی نازل شده است» (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۳۵). بنابراین خداوند پیام خود را از طریق بشر فرستاد و این امر بر اساس حکمت الهی و موافق نظر عقلاء است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۳۴). بارها بعضی از کفار قریش پیامبر ﷺ تکذیب کرده و می‌گفتند: «اگر خدای تعالی پیامبر می‌فرستاد بایستی که ملائکه را بفرستد» (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۱۶).^۱ اما خداوند با بیان آیاتی، رسولان خود را بشری از جنس مردم معرفی کرد. بر همین اساس، پیامبران در دعوت خود همواره بر بشر بودن و عدم تفاوت خود با دیگر انسان‌ها تأکید می‌کنند؛ مانند حضرت نوح که خود را به عنوان یک بشر به قوم خود ارائه می‌نماید. او تأکید دارد توانایی‌های یک انسان را داشته و فقط جایگاه پیامبری را دارد که وحی را از خداوند متعال دریافت می‌دارد.

به تعبیر علامه طباطبایی، سنت الهی بر طبق حکمت، جریان یافته و حکمت، اقتضاء می‌کند که فرستاده بر مردم از جنس خود آنها باشد، ولی تنها فرقی که لازم است میان او و سایرین باشد این است که معارف و اوامر و نواهی به او وحی شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۷۳)

وجود انسان کامل با ویژگی بشر بودن، در هدایت انسان‌ها برای تحصیل ارزش‌های اخلاقی با محوریت توحید، جامعه را به سمت تعالی و پیشرفت رهنمون می‌سازد. چنین جامعه‌ای، در آفرینش حوادث تاریخی به پویایی خواهد رسید. حوادثی که در بطن خود تفکرات صحیح و دیدگاه الهی به جایگاه انسان را دارد. چنین حرکتی در تاریخ، تمدن ساز خواهد بود که خروجی آن، نمادهای تمدنی با ارزش‌های اخلاقی - الهی است.

۱. گفته‌اند که این آیه دلیل است بر آن که فرشته و زن برای دعوت عامه خلق مبعوث نشده‌اند.

۲,۳. غایت‌مندی تاریخ و برگشت به سوی خداوند

برگشت همه چیز به سوی خداست و این یک سنّت عام الهی است. جوامع توحیدمحور، اعتقاد برگشت به توحید را در قیامت دارند. چنین دیدگاهی، سیر تاریخی را به سوی رشد و تعالی هدایت می‌کند. برای دیدار الهی و برگشت به سوی او باید به قوانینی ملتزم بود که برای ما وضع کرده است. این قوانین برای بشر، تمدن‌ساز است و باعث تکامل جوامع انسانی می‌شود. در صورت عدم اعتقاد به توحید، تاریخ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. جامعه به انحطاط و نابودی کشیده خواهد شد. در سوره یونس آمده است: خداوند به علت صبر و بردباری خود، به بندگانش مهلت می‌دهد؛ اما هیچ جایی نیست که بتوان از دست خدا گریخت. عاقبت به سوی او برمی‌گردیم. هر عمل خیر و شری انجام داده باشیم، در آن دیدار، همه را به ما خبر خواهند داد (صاوی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۹۳). این جمله تهدید است. این که مدتی از متاع دنیوی بهره ببرید و به نفس خودتان ستم کنید؛ به هر حال باید نزد من بیایید. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۵۹) خداوند سعی دارد انسان را به هر وسیله‌ای آگاه کند. او می‌خواهد جامعه انسانی با فهم توحید و معاد، به ندای پیامبر ﷺ گوش فرا دهند و دعوتش را بپذیرند. این پذیرش آنان سبب شود تا جهت حرکت جامعه به سمت معنویت و کمال تغییر کند. این قوم با محوریت الهی، جامعه‌ای بسازند که به عنوان الگو در تاریخ ثبت شود. در ادامه، خداوند اقوامی را مثال می‌زند و سرگذشتشان را بیان می‌کند که با عدم پذیرش این اصول به بیراهه رفتند و برای خدا شریک قائل شدند. آنان با عذاب الهی، هلاک شدند و به عنوان عبرت تاریخی از سوی خداوند به دیگر جوامع معرفی می‌شوند. شرکایی که به جای خدا، آنان را عبادت می‌کردند و بر همین اساس، دچار ظلم و بی‌عدالتی شدند. در آخرت، شرکاء اذعان می‌دارند که از عبادت این افراد غافل بودند. در این هنگام، انسان هر آن چه انجام داده است، در آن جا حاضر می‌بیند. همه به سوی خدا برمی‌گردند. این آیات دلالت بر اختیار انسان دارد. انسانی که با پوچ‌گرایی و ادعایی که در دنیا داشت و بر اساس آن، سبک زندگی دنیایی خود را انتخاب کرده بود، ناگهان متوجه می‌شود همه چیزهایی که جایگزین خدا شده بود، از او بی‌زاری جستند (سیدقطب، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۷۴۱) و آن چه را به دروغ درباره شریکان ادعایی خدای تعالی مدعی بودند باطل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۲۸۹)

پوچ‌گرایی در تاریخ بسیار متداول بوده و گرایش به باطل با وجود اختیار و آزادی انسان، امکان‌پذیر است. انسان بدون توجه به ابتدا و انتهای جهان خلقت که توحید و برگشت به توحید است، در دنیا به دنبال باطل می‌رود و حقیقت‌یابی باعث ایجاد و گسترش عدالت است. برعکس، باطل به همراه خود ظلم‌گستری می‌آورد. انسان در این گم‌کردن مسیر تا زمانی که به مسیر اصلی باز نگردد، جامعه را به سمت پرتگاه می‌برد و این چنین، مسیر تاریخ دگرگون می‌شود و از تکاملی که مد نظر خداوند است، باز خواهد ماند.

۲,۴. واجب بودن نجات پیامبران و مؤمنان

از قوانین کلی در جهت حوادث تاریخی رو به تکامل، وعده الهی در نجات پیامبران و مومنان است: خداوند در صورتی که افراد به پیامبر خود ایمان بیاورند و او را یاری کنند، نجات آنان را بر خود واجب کرده است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۴). چنین وجوبی در سیر تاریخی، امید در دل ایمان‌آوردگان ایجاد می‌کند و سبب بروز حوادث تاریخی تأثیرگذار می‌شود. مردم با رفتار خداپسندانه، تمدنی را خلق می‌کنند که خروجی آن جامعه‌ای با امنیت اقتصادی و سیاسی است. در این جامعه، قوانین دینی از ایجاد ظلم و ستم جلوگیری می‌کند؛ مظاهر تمدن، نمادهای انسانیت می‌شود و این در سایه اعتماد به قول خداوند و ایمان کامل به آن به وجود خواهد آمد.

۲,۵. اتمام حجت خداوند بر بندگان

ارسال رسل از جمله سنت‌های اجتماعی است که خدا با فرستادن آنان برای راهنمایی، با مردم اتمام حجت می‌کند. آیاتی که مردم را تهدید به از بین رفتن و جانشینی ملتی دیگر به جای آنان تأکید دارد، از جمله آیات اتمام حجت هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۴۴).^۱ همچنین قرآن همواره تأکید دارد که هر امتی با رسول خود محشور می‌شود. (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۷)

رسول به منزله ترازوی رفتار امت است. بنابراین جوامعی که رسول الهی را تکذیب کردند

۱. «كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ...»

یا با او همراه نشدند، با عدالت الهی به اعمالشان رسیدگی خواهد شد. در این دادگاه به کسی ظلم نمی‌شود. ظلم واقع شده از سوی افرادی است که در دنیا با تکذیب خود، به پیروی از امیال نفسانی پرداختند و باعث انحطاط جامعه شدند.

۲,۶. عدم قبولی توبه در هنگام واقع شدن عذاب

از جمله قوانین کلی، نپذیرفتن ایمان و توبه بندگان در زمان وقوع عذاب است. وقتی مردم در عذاب واقع شدند، با ایمان آوردن در آن لحظه، نجات پیدا نمی‌کنند. فرعون و سپاهیان، حضرت موسی علیه السلام و قومش را تعقیب کردند. حضرت موسی علیه السلام و یارانش از دریا عبور کردند؛ اما فرعون و سپاهیان به فرمان خدا در دریا غرق شدند. آنان در حال غرق شدن بودند که اظهار ایمان کردند (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۴۰۷). جبرئیل به آنان گفت الان ایمان می‌آورید؟ این سؤال، استفهام انکاری است؛ یعنی ایمان آوردن شما الان قابل قبول نیست (مکی بن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۶۴۷۲) و در این زمان کوتاهی که برای شما باقی مانده، زمان توبه نیست. زمان برای شما از دست رفته است. جبرئیل فرمود: اگر در این زمان هم فرعون از روی اخلاص توبه می‌کرد، توبه او پذیرفته می‌شد. بنابراین گرفتاری در عذاب و ایمان آوردن نمی‌تواند همراه اخلاص باشد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۴۰۷). به عبارت دیگر، سنت خدا بر این قرار گرفته که هنگام چشاندن عذاب، توبه را قبول نکند؛ یعنی قبول نکردن توبه در صورتی که توبه ناشی از غم و ترس باشد، سنت الهی است. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۷۲)

در این جا بحث فرعون به تنهایی نیست. قوم فرعون و فرعون با یکدیگر در جهت ظلم به قوم موسی تلاش کردند. در این جریان تاریخی، قوم ستمگری که در جهت انحطاط جامعه تلاش می‌کرد، از بین رفت. سرنوشت تاریخ به دست کسانی دیگر سپرده شد تا در این سلسله تاریخی به دنبال هدفی برتر تلاش کنند.

قانون کلی در همه جا جریان دارد؛ اما قوم یونس از اعمال این قانون نجات یافتند. حال چگونه قوم یونس پس از تکذیب پیامبرشان، با توبه از عذاب نجات پیدا کردند؟ بنا بر نقل حسن بصری، قوم یونس همه ایمان آوردند. در بین اقوام دیگر که هلاک شدند چنین اتفاقی

نیفتاد. اگر آنان نیز همه ایمان می‌آوردند، نجات پیدا می‌کردند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۱۴)
تفاوت ایمان آوردن قوم یونس با قوم فرعون، در زمان ایمان آوردن است. قوم یونس نشانه‌های عذاب را دیدند و ایمان آوردند و خداوند در صداقت آنان شک نکرد. آنان در عذاب واقع نشدند. قوم فرعون هم در عذاب واقع شدند و هم در ایمان آوردن صادق نبودند. (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۳۹)

۲،۷. ترغیب انسان به تفکر

از دیگر قوانین کلی، سنت ترغیب انسان به تفکر کردن است. خداوند بعد از معرفی قرآن، توحید و معاد، سؤالاتی مطرح می‌کند تا فطرت پاک انسانی بیدار شود. تفکر، پایه و اساس رشد جامعه است. با تفکر، انسان استدلال منطقی را می‌پذیرد. سؤالات خداوند از جنس مشاهده است: بعد از آیات شرک، به مثال‌های عینی پرداخته می‌شود که انسان را به تفکر وادارد تا معبود اصلی شناخته شود و با به آن توجه شود. آیات، دلالت به عواملی دارد که با وجود اختیار انسان به عنوان یک علت، تدبیرگر اصلی را خدا می‌داند. همچنین انواع رزق برای اقوام گوناگون فرق می‌کند؛ برای بعضی طاعت و برای عده‌ای بی‌بهره بودن از لطف الهی، برای بعضی رسیدن به حق و برای بعضی دیگر غفلت؛ بعضی گوش و چشمشان خدایی می‌شود و بعضی نابینا از رسیدن به حقیقت. مصداق یحیی و یمیت، ایمان و کفر است. (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۹۳)
اقوامی دارای امنیت اقتصادی هستند که در فعالیت‌های اقتصادی و کسب روزی حلال، خداوند را ناظر می‌دانند و از روش مشروع در جهت کسب و کار بهره می‌برند. زمانی که اعتقاد به نیروی الهی در مسائل اقتصادی کم‌رنگ باشد، اعتماد به نفس افزایش می‌یابد (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۷۴۲). در آن زمان اعتماد به قدرت انسانی در مقابل قدرت الهی، مطرح نبود. خداوند با این سؤال، آنان را به تفکر ترغیب کرد. از طرف دیگر برای اقوام دیگر در طول زمان، مفهوم سؤالات، عمیق‌تر می‌شود. بحث رزق به هدایت اقوام سرایت می‌یابد. در این صورت، از یک مثال عینی، برای هدایت الهی استفاده شده است. هر قومی به اندازه ظرفیت خود از هدایت الهی بهره می‌گیرد.

۳. سنن مشروط تاریخی - اجتماعی

قوانین بسیاری در قرآن وجود دارند که اجرای آنها وابسته به اختیار و اراده انسان است. اگر افراد جامعه، راه صحیح را انتخاب کنند، باعث اعتلای جامعه خواهند شد و در صورتی که راه نادرست را انتخاب کنند، جامعه انسانی را به تباهی و نابودی خواهند کشید. در ادامه به بررسی این دو نوع سنن تاریخی می‌پردازیم:

۳.۱. سنن مشروط به ایمان و مربوط به اعتلای جامعه

تعدادی از سنن الهی، مشروط به اختیار انسان است و در صورتی که این قوانین، از سوی اقوام مورد قبول واقع شود و آن را در جامعه پیاده کنند، این سنن در مورد آنها اجرا خواهد شد. از نظر قرآن، سنت‌های تاریخی به دست خداوند بوده و حکمت و حسن تدبیر خداوند بر کل صحنه‌های تاریخ به شمار می‌روند. سنت تاریخی بر اساس طبیعت انسانی شکل گرفته است؛ زیرا اختیار و اراده را از انسان سلب نمی‌کند. همچنین تأکید آیات الهی همواره بر مسئولیت اجتماعی انسان است. در ادامه، به دو قانون عام که با انتخاب انسان، به تغییر مسیر جامعه می‌انجامد، اشاره می‌کنیم:

۳.۱.۱. انتخاب ولایت الهی برای نجات از گمراهی و هلاکت جامعه

پذیرش ولایت الهی و عمل به دستورات خداوند، انسان را به سوی نیکی و عمل صحیح راهنمایی می‌کند. چنین انتخابی باعث رهایی بشر از شرک، کفر و شفاء یافتن و بهبودی روح انسان از مریضی می‌شود. بر اساس آیات قرآن، رحمت الهی شامل افرادی می‌گردد که به خدا و قرآن ایمان آورند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۴۲). خطاب این آیه به قوم پیامبر ﷺ بوده و به آنان هشدار می‌دهد که ای قبیله قریش! داروی جهل شما، آیتی هستند که از طریق پیامبر ﷺ برای شما فرستادم. این برای شما از آن چه در دنیا جمع‌آوری کردید، بهتر است (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۰۲). ابن عمر می‌گوید: «اسلام، فضل الهی و زینت دادن اسلام در قلب شما، رحمت اوست». خالد بن معدان می‌گوید: «فضل، همان اسلام، و رحمت، سنت پیامبر ﷺ می‌باشد» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۳۵). بنابراین انسان با اختیار می‌تواند به سوی فضل و رحمت خدا حرکت کند. اگر جبر حاکم بود، همگان بدون اراده، مسیر الهی را انتخاب می‌کردند و

دیگر نیازی نبود که خدا بخواهد با بیان فضل و رحمت خود، آنان را به انتخاب تشویق کند. شهید مطهری می‌فرماید: «جبر و اختیار، ملازم بحث «عدل» است؛ زیرا بین اختیار و عدل، رابطه مستقیم وجود دارد. تنها در صورت اختیار است که تکلیف و پاداش و کیفر عادلانه، مفهوم و معنی پیدا می‌کند. اگر انسان، آزادی و اختیار نداشته باشد و در مقابل اراده الهی و یا عوامل طبیعی، دست بسته و مجبور باشد، دیگر تکلیف و پاداش و کیفر، مفهوم خود را از دست می‌دهد». (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲)

بنابراین انسان با مؤلفه اختیار، توانایی تغییر و تحول در جامعه را دارد. همین امر در یک جامعه، تبدیل به روح جمعی شده و با دخالت در سرنوشت خود، فضل و رحمت الهی را شامل حال خود خواهند کرد. نتیجه چنین عملکردی، به وجود آمدن جامعه‌ای تحول‌گرا در مسیر رشد و تعالی است.

۳،۱،۲. پاداش مضاعف برای انتخاب عمل صالح

پاداش مضاعف برای عمل نیک و مقابله به مثل در مقابل عمل بد، از جمله قوانینی است که با انتخاب انسان ارتباط مستقیم دارد. او با انتخاب خود، یکی از این دو راه را برمی‌گزیند. این سنت الهی باعث می‌شود که انسان، ترغیب به عمل صالح شود. اگر جامعه‌ای، توحیدمحور شود، با اجرای قوانین الهی، سعادت اخروی را برای خود به ارمغان می‌آورد. تلاش برای آخرت، باعث می‌شود تا در تعامل با افراد جامعه و خانواده، بهترین رفتار را داشته باشیم؛ بنابراین، عبودیت الهی یعنی رهایی از عبودیت غیر الهی و رسیدن به آزادی، که مطابق فطرت است. اساس و مبنای حقوق طبیعی و فطری، خود طبیعت است؛ یعنی اگر انسان از حقوق خاصی برخوردار است که حیوانات از آنها بی‌بهره‌اند، ریشه‌اش طبیعت و خلقت و آفرینش است. اگر همه انسان‌ها در حقوق طبیعی مساوی هستند و همه باید «آزاد» زیست کنند، فرمانی است که در متن خلقت صادر شده است. دانشمندان طرفدار تساوی و آزادی، به عنوان حقوق فطری انسان‌ها نیز دلیلی جز این نداشتند. در مسئله اساسی نظام خانوادگی نیز مرجع و مأخذی جز طبیعت نیست (همان، ج ۱۹، ص ۲۹). بنابراین باید در جامعه اسلامی، آزادی از درون جامعه بجوشد تا مطابق فطرت خود، در راه انتخاب به سوی تحول تاریخ قدم بردارد.

استاد مطهری معتقد است در جنگ حق و باطل، فطرت الهی انسان‌ها عامل اصلی مبارزه است. تنها همین مبارزات بود که تاریخ را از نظر انسانیت و معنویت به پیش رانده است. نیروی محرک اصلی این مبارزه، همان عامل غریزی و فطری گرایش به حقیقت، شناخت نظام وجود و گرایش به عدالت برای ساختن جامعه است (همان، ج ۲، ص ۴۱). بنابراین داشتن اختیار، که از مهمترین مؤلفه‌های انتخاب است، امری فطری و از قوانینی می‌باشد که اگر به آن اهمیت داده شود، در انسان قابل مشاهده است. نمود خارجی آن، انتخاب مسیر مبتنی بر بینش توحیدمحور برای اعتلای جامعه اسلامی است.

۳،۲. سنن مشروط به کفر و مربوط به انحطاط جامعه

بعضی از سنن الهی که مشروط به اختیار و آزادی بشر هستند، در صورت انتخاب نادرست مسیر، منجر به انحطاط و نابودی جامعه می‌شوند که در ادامه، تعدادی از آنها بیان می‌گردند:

۳،۲،۱. سنت استدراج

خداوند در مقابل مکر بندگان، مکر خود را به کار می‌برد. یکی از مصادیق مکر خداوند، سنت استدراج (دایره‌المعارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۵۳-۶۱)^۱ است. بنا بر نقل تفاسیر، زمانی که به انسان، سختی می‌رسد و سپس از ناحیه خداوند، مشکل او از بین می‌رود، بعد از گشایش در کارها، علت رهایی از مشکل را به غیر خدا نسبت می‌دهند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۱۶۹-۱۷۰). این سنت نیز نوعی اتمام حجت به شمار می‌رود. در استدراج، علاوه بر مهلت به افراد، عذاب خداوند به طور معمول با اعلام پیشین از سوی پیامبران (هود: ۱۱) و چه بسا پس از برخی نشانه‌های آشکار طبیعی (احقاف: ۲۴ و ۴۶) رخ می‌دهد که آن نیز به منظور کوشش آخر برای اتمام حجت

۱. مفهوم استدراج: الف) استدراج در ظاهر با تنعم و بهره‌مندی از لذت‌های حیات همراه است. واژه «امداد» از ریشه «مد» و به معنای گشایش و یاری‌رساندن در زندگی مادی یا معنوی در مواردی که جنبه منفی آن مورد نظر بوده و به گمراهی افراد می‌انجامد. ب) به این واقعیت اشاره دارد که به کافران و منکران خدا و پیامبر مهلت داده شده و در مجازات آنان عجله نمی‌شود. ج) استدراج ارتباطی تنگاتنگ با روند رو به خسران طبیعت انسانی «وَالْعَصْرَانِ الْإِنْسَانَ لَقِي خُسْرًا» دارد و با مفهوم هدایت و اتمام حجت در مسیر مقابله با این روند همگام بوده و د) پایان استدراج همواره با نزول ناگهانی عذاب الهی در دنیا یا آخرت همراه است.

بوده است (دایره‌المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۳). بنابراین مکر از سوی اقوام که شامل تکذیب آنان (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۲۶) و تشکر از غیر منعم واقعی است، توسط خداوند به عذاب مبدل خواهد شد (مؤلف ناشناخته، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۴). این تغییر و تحول، در بستر تاریخی شکل می‌گیرد. زمانی که جامعه‌ای علت هر پدیده‌ای را در مادیات جستجو کند و عامل مؤثر را دلیل مادی بداند، در این صورت خداوند با دادن مهلت، که به همراه نشانه‌های عذاب است، (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۷۶) سعی دارد تا آنان را بیدار کند. در صورت عدم بیداری، این قوم نابود خواهند شد و قومی دیگر جانشین آنان می‌شود. این قانون الهی در طول تاریخ بوده است.

عمر انسان مهلتی برای اوست. اگر کارهای خوب انجام دهد، با این عمر، به سعادت می‌رسد و اگر به اعمال زشت پردازد، بدبخت خواهد شد و این، سنت الهی و اجتماعی است. تمامی سنت‌های معمولی، خواه طبیعی باشند و خواه اجتماعی، در واقع سنت خدا در میان خلق به شمار می‌روند. خدای سبحان طبق همان سنتی که با سایر مردم دارد، با کافران برخورد می‌کند. کسی را که بخواهد مهلت بدهد، با طولانی کردن عمر، به او مهلت می‌دهد، تا وی برای خود، نیکی یا بدی را برگزیند. اما کافر با این مهلت دادن، مغرور می‌شود و آزادانه به ستم می‌پردازد. از این رو، نتیجه مهلت دادن به کافر، شقاوت و عذاب اوست. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۴۴)

آیاتی که پیامبران در پاسخ به تهدیدات آنان، از الفاظ انتظارکشیدن دو گروه برای عاقبت امور بهره می‌برند، دلالت بر سنت مهلت دادن به کفار است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۵۴). پیامبر ﷺ خطاب به تکذیب‌کنندگان می‌فرماید: «عذاب شما هم مانند پیشینیان است. شما غیر این منتظر هستید. شما منتظر باشید و من هم منتظر هلاکت شما هستم» (سمرقندی، همان، ج ۲، ص ۱۳۴). چنین مهلت‌دادنی به کافران نوعی تهدید همراه با لطف الهی است. خداوند درصدد است تا انسان با علم ناقص خود، به محاجّه با پیامبران پردازد و از سرگذشت اقوام عبرت بگیرد؛ به اخبار غیبی خدا که از روی اطمینان می‌گوید و شواهدی از آن نیز در کتب دیگر آورده شده و همچنین در بین اقوام دیگر به طور شفاهی نقل قول می‌شود، ایمان بیاورد.

۳، ۲، ۲. سنت استخلاف

در تاریخ، جوامعی که به دعوت پیامبرشان پاسخ مثبت ندادند و به گمان این‌که او از

جانب خدا نیست، هیچ‌گاه به درک حقیقت نائل نشدند و سرانجام، به ورطه نابودی افتادند. خداوند بر اساس تکذیب‌شان چنان آنان را از بین برد که اثری از آنها باقی نماند و بر اساس سنت استخلاف، قوم دیگری را جانشین کرد.

این اقوام به علت ظلم و تکذیب پیامبر، مجرم بودند؛ از طرفی، ظالم و مجرم هر دو از مصادیق کافر هستند. زمانی که پیامبر الهی بر این اقوام مبعوث شد، آنان به دنبال تکذیب او بودند. سخنان او را باور نداشتند که اقوام پیشین عذاب شدند (همان، ص ۱۰۷). جامعه‌ای که در درون خود، آزادی را جستجو نکند و برای دستیابی به آن تلاش نداشته باشد، دچار افراد ستمگری خواهد شد که آنان را به بردگی می‌کشد. از طرفی ظلم و ستم در این جامعه افزایش می‌یابد. افزایش ظلم در جامعه، مجرمین آن جامعه را افزایش می‌دهد. با گذشت زمان، این جامعه نابود خواهد شد و این سنت الهی است که هر جامعه‌ای عمری معین دارد.

۳،۲،۳. سنت تزیین

سنت تزیین از جمله سنن الهی است که در زندگی اجتماعی و شکل‌گیری جوامع با اهداف خاص خود تاثیر دارد. در سوره یونس آمده است: «انسان‌ها در زمانی که دچار مشکلات می‌شوند، در هر حالتی خدا را به یاد می‌آورند و از خدا راه حل خروج از سختی را می‌خواهند. بعد از نجات یافتن از مشکلات، نجات‌گر واقعی را فراموش می‌کنند. به کفر خود ادامه داده و در این راه، به انواع گناهان گرفتار می‌شوند (اسراف در کفر، تکذیب، شرک‌ورزیدن) و این گناهان در نظر آنها زینت داده می‌شود». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۶۶)

گرفتار شدن به سنت تزیین، جامعه انسانی را به ورطه هلاکت می‌کشد. زمانی که افراد یک جامعه، سرچشمه حقیقت را فراموش و از بیراهه به سمت هدف خود حرکت کردند، به جایگاه مورد نظر خود نمی‌رسند. در چنین جامعه‌ای، شیطان صحنه‌گردان اصلی است و انسان‌ها بازیگران بدون اراده‌ای هستند که در دام شیطان افتاده‌اند. شیطان، جامعه را به سمت سقوط پیش می‌برد، تمام گناهان را در نظر افراد جامعه زینت می‌دهد و زشتی گناهان از دید آنان ناپدید خواهد شد. در این سیر تاریخی، این قوم سرانجامش نابودی است. زمانی که گناهان برای جامعه‌ای نمود زیبایی پیدا کرد، آنان در ورطه هلاکت به دنبال چاره‌جویی خواهند بود

و از خدا می‌خواهند که آنان را نجات دهد؛ زیرا می‌دانند بشر در این زمینه ناتوان است. انسان اگر فقط به ظاهر و اقرار زبانی، ایمان بیاورد، دچار مشکلاتی از ناحیه ایمان آوردن نمی‌شود؛ زیرا وسوسه شیطان در ناحیه عمل صورت می‌گیرد. در این زمان، انواع گرفتاری‌ها انسان را احاطه می‌کند و مانند این است که در دریا و در دل تاریکی، گرفتار طوفان شده باشد.

زمانی که خداوند تنها خود را نجات‌بخش می‌داند، بدین وسیله انسان را به تفکر و اندیشه دعوت می‌کند. تفکر و اندیشه‌ورزی در زندگی جمعی، نقشی کلیدی در آفرینش تمدن و تغییر وضعیت جامعه از وضعیت نامطلوب به سوی جامعه مطلوب دارد. اگر در این وضعیت، با امداد الهی نجات یافت و منشاء نجات خود را فراموش نکرد، جامعه به سمت شرایط مطلوب حرکت می‌کند. در صورت فراموشی، دوباره در همان شرایط قرار خواهد گرفت و جریان تکاملی تاریخ به تعویق خواهد افتاد.

۳،۲،۴. سوء استفاده از آزادی در انتخاب

یکی دیگر از سنن الهی، آزادبودن در انتخاب راه است. اگر اراده الهی بر جبر تعلق می‌گرفت، در حوادث تاریخی، پند و اندرز برای عبرت‌گیری وجود نداشت. همچنین اختلافی که در امت‌ها وجود دارد، حاکی از آزادی انسان است. اگر خدا می‌خواست، قدرت داشت که آنها را به اجبار از جنگ و ستیز باز دارد، ولی سنت الهی بر این بوده و هست که مردم را در انتخاب راه آزاد گذارد، ولی آنها از آزادی خود سوء استفاده کردند و راه اختلاف پیمودند. (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۵۴) اقوام در زمان ابراهیم یا زمان نوح، امت واحدی در کفرورزیدن بودند. با ارسال رسل و بشارت و انذار آنان، در بین آنها اختلاف افتاد. اگر سنت الهی در تأخیر عذاب نبود، آنها هلاک می‌شدند (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۳۹). اهل مکه نیز در شرک یکسان بودند و نصاری و یهودی بین آنها وجود نداشت. بعد از پیامبر ﷺ، در تکذیب پیامبر دو دسته شدند. (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۲۴) بهره‌گیری نادرست از آزادی، انسان را به مرز هلاکت می‌رساند. چنین اقوامی که راه درست را تشخیص ندهند و ارزش‌های ضد اخلاقی و دینی را در جامعه حکم فرما کنند، سیر تاریخی را به عقب بازگردانده و روح آزادی در درون جامعه را از بین می‌برند. تاریخی را رقم می‌زنند که در جهت فساد و تباهی گام برداشته است.

نتیجه‌گیری

قرآن قوانینی برای تربیت انسان وضع کرده که در بستر تاریخی و در اجتماع جریان دارد. تعدادی از این سنن، عام و فراگیر و تعدادی مشروط و مقید هستند. سنن مشروط الهی، به اختیار و آزادی انسان وابسته است. بدین ترتیب که در صورت انتخاب راه هدایت، جامعه به سمت تکامل حرکت می‌کند و تاریخی با عظمت را رقم خواهد زد؛ اما اگر راه ضلالت را انتخاب کند، جامعه به سقوط کشیده خواهد شد و مورد عبرت آیندگان قرار خواهد گرفت.

از جمله سنت‌های عام تاریخی - اجتماعی در سوره یونس، سنت ارسال رسل از جنس بشر، هدایت عام و فراگیر، غایت مندی تاریخ و برگشت به سوی خداوند، واجب بودن نجات پیامبران و ایمان آوردگان به او، ترغیب انسان به تفکر، عدم قبولی توبه در هنگام واقع شدن عذاب و اتمام حجت با فرستادن پیامبران است.

سنت‌های مشروط که وابسته به اختیار و آزادی انسان هستند، دو نوعند: سنت‌هایی وابسته به ایمان انسان‌ها مانند تشویق به انتخاب راه هدایت و پاداش در مقابل آن، پاداش کار خیر، چند برابر و جزای کار بد، مثل همان عمل است. سنت‌های مشروطی که انسان با انتخاب راه ضلالت، سبب جاری شدن آن می‌شود، مانند سنت تزیین، سنت استخلاف و سنت مکر الهی است. سنن ذکر شده، در بستر تاریخی و در جوامع انسانی جاری می‌شوند. ارسال رسل از سوی خداوند در جهت راهنمایی اقوام، سبب می‌شود تا آنها در صورت انتخاب راه صحیح، باعث ایجاد تحول در جامعه خود شوند و نمادهای تمدنی را تغییر دهند. این تغییرات وابسته به اختیار انسان است که چه راهی را برگزیند.

فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۱ق، تفسیر غریب القرآن (ابن قتیبہ)، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. ابو عبیدہ، معمر بن مثنی، ۱۳۸۱ق، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.
۶. اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
۷. ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی.
۹. دینوری، عبدالله بن محمد، ۱۴۲۴ق، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۸۶ش، مقدمه الادب، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ق، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادہ، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. سمرقندی، نصرین محمد، ۱۴۱۶ق، تفسیر السمرقندی المسمی؛ بحرالعلوم، بیروت: دار الفکر.
۱۴. سید قطب، ۱۳۸۶ش، فی ظلال القرآن، مترجم: مصطفی خرم دل، تهران: نشر احسان.
۱۵. صاوی، احمد بن محمد، ۱۴۲۷ق، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۶. صدر، محمد باقر، ۱۳۸۱ش، سنت‌های تاریخ در قرآن، مترجم: سید جمال الدین موسوی، تهران: انتشارات تفاهم.
۱۷. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۳ش، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد-اردن: دار الکتب الثقافی.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۳. قریشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. _____، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۲۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۲۰۰۰م، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۲۶. کارلایل، توماس، ۱۳۱۸ش، قهرمانان؛ زندگانی محمد ﷺ، مترجم: ابو عبدالله زنجانی، تحقیق: عباسقلی واعظ چرنابی، تبریز: کتابفروشی سروش.
۲۷. ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ق، تأویلات أهل السنه (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، دایره المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، ش الف. مجموعه آثار (عدل الهی)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. _____، ۱۳۷۲، ش ب. مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. _____، ۱۳۷۲، ش ج. مجموعه آثار (نظام حقوق زن در اسلام)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. _____، ۱۳۹۲، ش د. مجموعه آثار (انسان در قرآن)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۸ش، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب.
۳۴. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. _____، ۱۴۲۸ق، مختصر الامثل، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۷. مکی بن حموش، ۱۴۲۱ق، الهدایه الی بلوغ النهایه، شارجه-امارات: جامعه الشارقه، کلیه الدراسات العلیا والبعث العلمی.
۳۸. مکارنی، جوزف، ۱۳۸۹ش، هگل و فلسفه تاریخ، مترجم: اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر آگه.
۳۹. مؤلف ناشناخته (قرن ۴ق)، ۱۳۷۵ش، بخشی از تفسیری کهن به پارسی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۴۰. مبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴۱. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ق، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز (واحدی)، بیروت: دار القلم.
۴۲. هگل، گ. و. ف. ۱۳۶۸ش، خدایگان و بنده، مترجم: حمید عنایت، تهران: خوارزمی.

مقاله

۱. ثقفی، مریم، ۱۳۹۲ش، «عقل و خودآگاهی در فلسفه تاریخ هگل»، مجله پژوهش‌های معرفت‌شناختی، دوره ۲، ش ۵، ص ۷۵-۱۰۲.
۲. رجبی، محمود، ۱۳۸۳ش، «قانون‌مندی جامعه و تاریخ (مبانی فلسفه تاریخ در قرآن)»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲، ص ۲۳-۶۴.
۳. سلیمانی، جواد، ۱۳۸۹ش، «سنت‌مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۱، ص ۹۳-۱۱۲.
۴. فهیمی، علی، ۱۳۸۷ش، «سنت الهی - تاریخی در سوره رعد و ابراهیم»، مجله سخن تاریخ، ش ۲، ص ۶۹-۸۱.
۵. مهربانی، محمد، ۱۳۷۶ش، «کلید شناخت فلسفه تاریخ در قرآن، بینش تاریخی شهید صدر»، فصلنامه مفید، ش ۱۰، ص ۲۲۳-۲۳۶.

